

## اخلاق پزشکی

### بررسی ماهیت حقوقی جراحی زیبایی و اثر آن بر عقد ازدواج براساس منابع حقوق ایران

دکتر رسول احمدی فر\*

#### چکیده:

افراد زیادی با استفاده از جراحی زیبایی در ظاهر اعضاء بدن تغییراتی به منظور ترمیم و یا زیبایی انجام می‌دهند. تا زمانی که هدف از جراحی زیبایی شخصی بوده و یا به میزانی باشد که در نظر عرف قابل اغماض و متعارف باشد، ماهیت حقوقی ندارد. ولی در صورتی که شخص جراحی شده خارج از حد متعارف و با مخفی کردن جراحی، نظر طرف مقابل را برای ازدواج جلب می‌نماید در صورت اجتماع شرایط لازم می‌تواند از مصادیق تدلیس باشد. هدف از پژوهش حاضر بررسی ماهیت این جراحی و اثر آن بر رابطه زوجین است. بر اساس نتایج آن در صورتی که جراحی زیبایی به حدی نامتعارف باشد که سبب اشتباه طرف مقابل در شخصیت جراحی‌کننده شود عقد باطل است و در صورتی که منجر به چنین اشتباهی نشده، ولی در نظر عرف تغییرات ایجاد شده زیاد باشد، طرف مقابل خیار تخلف از شرط صفت صریح یا بنایی خواهد داشت و در صورتی که سبب فریب طرف مقابل شود تدلیس بوده و خیار فسخ به خاطر تدلیس ایجاد خواهد شد. زیان‌دیده بر اساس مورد می‌تواند خسارت خود را از شخص جراحی شده مطالبه نماید. هر چند جراحی توسط پزشک انجام می‌شود، ولی به لحاظ سببیت اقوا از مباشر شخص جراحی شونده، شخصاً مسئول جبران خسارات طرف عقد خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: جراحی زیبایی، تدلیس در ازدواج، تخلف وصف، مسئولیت پزشک در جراحی پلاستیک

#### زمینه و هدف

جراحی زیبایی امروزه عملی مرسوم بوده و براساس آمارهای منتشره، در جمعیت 75 میلیون نفری ایران هفت برابر آمریکا با 319 میلیون نفر جمعیت صورت می‌گیرد. جراحی زیبایی سبب تغییر شکل ظاهری اندام شده و تأثیری بر ژنتیک انسان ندارد. یکی از مسائلی که در نتیجه جراحی زیبایی ممکن است مطرح شود، روابط زوجینی می‌باشد که یکی از آنها قبل از ازدواج با اقدام به این جراحی سبب تغییرات در اندام خود شده و سپس ازدواج نموده است. قوانین حوزه حقوق خانواده به منظور تنظیم روابط زوجین تاکنون تغییرات متعددی داشته‌اند، لکن صراحتاً به این موضوع اشاره‌ای نکرده‌اند.

\* نویسنده پاسخگو: دکتر رسول احمدی فر

تلفن: 33334981-081 داخلی 406

E-mail: [Rahmadifar@malayeru.ac.ir](mailto:Rahmadifar@malayeru.ac.ir)

\* استادیار گروه حقوق، دانشگاه ملایر

تاریخ وصول: 1396/05/15

تاریخ پذیرش: 1396/10/02

با توجه به آمار بالای این جراحی، سکوت قانون، نبودن پژوهش مرتبط و مبهم بودن رویه دادگاهها، پژوهش حاضر با هدف «بررسی ماهیت حقوقی تغییر ظاهر با استفاده از جراحی زیبایی و اثر آن بر عقد ازدواج» صورت می‌گیرد. سوالات این پژوهش عبارتند از: 1- ماهیت حقوقی جراحی زیبایی چیست؟ 2- در مواردی که در نتیجه جراحی زیبایی ازدواجی اتفاق می‌افتد، جراحی چه تأثیری بر رابطه طرفین دارد؟ 3- مسئولیت خسارات ناشی از این جراحی بر عهده چه کسی می‌باشد؟ 4- آیا پزشک جراح در این خصوص مسئولیت دارد؟ برای پاسخ به سؤال‌های فوق ابتدا به تعریف جراحی زیبایی و نقش ظاهر زوجین در قصد تشکیل عقد ازدواج می‌پردازیم، سپس تخلف وصف، تدلیس و اشتباه در شخص طرف عقد را بر اساس موضوع پژوهش مطالعه خواهیم کرد و در نهایت حقوق زوجین، مسئولیت پزشک جراح و نتیجه پژوهش ارائه خواهد شد.

### 1. تعریف جراحی زیبایی و پیشینه آن

جراحی زیبایی به معنی شکل دادن، ساختن، از نو ساختن و به شکل اولیه درآوردن می‌باشد (فراهانی، 1387، ص 65-66). این جراحی بعنوان یکی از انواع جراحی پلاستیک برای بهبود ظاهر فرد، بازسازی مناطق آسیب دیده پوست، از بین بردن چین و چروک و لکه‌ها و غیره انجام می‌شود (2016 Dictionary.com, llc). و صرفاً ظاهر را تغییر داده و تأثیری بر ژنتیک و خصوصیات ذاتی فرد جراحی شونده ندارد. جراحی پلاستیک دارای سابقه طولانی در جهان بوده و در ایران بیش از یک قرن می‌باشد که به صورت مدرن برای زیبایی از آن استفاده می‌شود (کلانتری هرمزی، 1393). به گزارش انجمن تحقیقات راینولوژی، براساس تحقیق مشترکی که با همکاری دانشگاه جان‌هایپکینز آمریکا صورت گرفته، در بین جراحی‌های مختلف زیبایی جراحی زیبایی بینی در ایران، هفت برابر آمریکا می‌باشد (<http://www.shafaf.ir/fa/news/175848>, 1392/01/09).

### 2. انواع جراحی زیبایی

«جراحی زیبایی گاهی مواقع برای زیباتر کردن اعضاء یا چهره انسان انجام می‌شود و گاهی هدف از آن برطرف نمودن نقایص و هنجارهای شکلی (اعم از مادرزادی یا عوارض ناشی از بیماری‌ها و حوادث) می‌باشد. در این موارد غالباً دارای ضرورت عرفی هستند، مانند مبادرت به جراحی ترمیمی مرتبط با توده‌های پوستی، انحراف بینی، آثار برجای مانده از سوختگی‌ها، زخم‌ها و شکستگی‌ها» (نقیبی، کلهرنیا کلکار و صدر طباطبایی، 1394، ص 81). جراحی نوع نخست جراحی زیبایی محض و جراحی نوع دوم جراحی زیبایی با هدف ترمیم می‌باشد.

### 3.1. جراحی زیبایی محض

جراحی زیبایی محض عبارت از «انجام عمل جراحی برای تغییر شکل دادن به ساختمان‌های طبیعی بدن که ظاهر بیمار را بهبود بخشیده و به او اعتماد به نفس می‌دهد» می‌باشد (اولسن، 1388، ص 8). این جراحی هیچ ضرورتی درمانی ندارد و نتیجه آن منجر به درمان یا کارکرد بهتر برای عضو جراحی شده نمی‌شود. هدف آن «ارتقای زیبایی شناسی عضو است. بنابراین ملاک برای صدق عنوان جراحی زیبایی، سالم بودن عضو مربوطه است» (نقیبی، کلهرنیا کلکار و صدر طباطبایی، 1394، ص 85). جراحی زیبایی محض بدون تغییر در ژنتیک فرد ظاهر عضو را تغییر داده و شکل مصنوعی زیباتری به عضو می‌دهد.

### 3.2. جراحی زیبایی ترمیمی

جراحی ترمیمی «جراحی است که برای برطرف کردن هیأت و شکل غیر عادی بدن (عوارض ایجاد شده توسط تومورها، بیماری‌ها، عفونت‌ها و ...) صورت می‌گیرد» (طباطبایی، 1392، ص 167). جراحی ترمیمی برای اصلاح و ترمیم شکل و کارکرد یا عملکرد یک عضو انجام می‌شود و خود می‌تواند «به دو بخش جراحی ترمیم حیاتی و جراحی ترمیم انتخابی تقسیم شود» (نقیبی، کلهرنیا کلکار و صدر طباطبایی، 1394، ص 84). همچنین جراحی ترمیمی را بر اساس موضع ترمیم و هدف آن به شرح ذیل تقسیم نموده‌اند: «از جهت موضع ترمیم: ترمیم ضایعات جلد و بافت زیر جلدی، ترمیم آسیب‌های حرارتی، ترمیم سر و گردن، ترمیم تنه و دستگاه تناسلی خارجی و ترمیم اندام‌های فوقانی و تحتانی. بر اساس هدف: جراحی ترمیم کارکردی و

جراحی ترمیم محض» (وحدتی شبیری و صانعی، 1394، ص 3). «جراحی ترمیمی کارکردی نوعی از جراحی است که برای بهبود عملکرد انجام می‌شود؛ اما برای ایجاد ظاهری طبیعی‌تر نیز کاربرد دارد. جراحی ترمیمی محض نوعی از جراحی می‌باشد که هدف از آن صرفاً اصلاح شکل بوده و فاقد ضرورت حیاتی است» (کلهرنیاگلکار و همکارانش، 1391، ص 83). در مواردی که جراحی ترمیمی با هدف ترمیم ضایعات بدن در نتیجه حوادث صورت می‌گیرد هدف از آن برگشت عضو به وضعیت قبل از حادثه‌ای می‌باشد که سبب تغییر شکل شده. هرچند این جراحی ظاهر عضو را تغییر می‌دهد، لکن هدف و انگیزه فرد برگشت به حالت اولیه قبل از حادثه است. ولی در مواردی که ظاهر عضو به صورت طبیعی ناقص باشد هدف از جراحی تغییر ظاهر می‌باشد. در پاره‌ای از موارد جراحی ترمیمی برای بهبود عملکرد انجام می‌شود، اعم از اینکه عملکرد به صورت طبیعی مشکل داشته و یا به واسطه حادثه.

### 3. جراحی زیبایی و ازدواج

ازدواج یکی از عقود معین تصریحی در قانون مدنی است (ماده 1062 ق.م). اصل آزادی اراده مانند سایر قراردادهای در این عقد جاری بوده و مواد مختلف قانون مدنی این اصل و محدودیت‌های آن را تبیین کرده‌اند. محدودیت‌هایی از قبیل ممنوعیت ازدواج مسلمه با غیر مسلم (ماده 1059)، لزوم دریافت اجازه مخصوص از طرف دولت برای ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی (ماده 1060) و ... اصل آزادی اراده به معنی آزادی ورود به قرارداد، انتخاب طرف عقد و تعیین شروط و مسئولیت‌های ناشی از آن می‌باشد و حدود آن را قانون، نظم عمومی و اخلاق حسنه تعیین می‌کند (محقق داماد، فنواتی، وحدتی شبیری و عبدی پور، 1379، ص 213). ماده 10 قانون مدنی هیچ‌گونه تردیدی در لزوم احترام به اراده مشترک طرفین و وفای به قراردادهای خصوصی در صورت عدم مغایرت با قانون باقی نگذاشته است (محقق داماد، 1388، ص 27). هرچند در همه قراردادهای شخصیت طرف تأثیر یکسان بر عقد ندارد، ولی اصل آزادی انتخاب طرف قرارداد به طرفین اجازه می‌دهد قرارداد خود را با هر شخصی که بخواهند منعقد نمایند. قانون‌گذار به منظور تضمین این اصل در مواردی که طرفین یا یکی از آنها در شخصیت طرف اشتباه کرده، شخصیت طرف علت عمده عقد بوده و وصف اساسی شخص طرف معامله در قلمرو تراضی قرار گرفته باشد آن را باعث خلل در عقد دانسته (کاتوزیان، 1380، ج 1، ص 448). ازدواج یکی از قراردادهایی می‌باشد که شخصیت طرفین، از جمله ظاهر و اوصاف ذاتی آنها مانند نسب خانوادگی، در غالب موارد از جمله عوامل اصلی تحقق عقد ازدواج است. بر این اساس تغییر در این عوامل و یا مخفی نمودن آنها در حقوق طرف مقابل مؤثر می‌باشد. از جمله این عوامل ظاهر بوده و ممکن است یکی از طرفین با قصد جلب رضایت طرف مقابل برای ازدواج متمسک به جراحی زیبایی شود. این تغییرات امکان دارد متعارف و قابل اغماض باشد که در این صورت در روابط طرفین مؤثر نخواهد بود. ولی در مواردی که تغییرات عمده باشد در روابط طرفین مؤثر می‌باشد که موارد مختلف آن را در ادامه بررسی خواهیم کرد.

#### 4.1. تخلف از شرط صفت در عقد ازدواج در نتیجه جراحی زیبایی و ارکان آن

تخلف از شرط صفت زمانی اتفاق می‌افتد که وصفی در یکی از طرفین یا هر دو شرط شده و بعد از عقد معلوم شود آن وصف در زمان عقد موجود نبوده «اعم از اینکه وجود آن شرط در گفته‌ها و نوشته‌های طرفین بصراحت یا بطور ضمنی قید تراضی باشد، یا معامل (شخص) عادی وجود آن وصف را در شخص طرف علت عمده عقد بدانند. به بیان دیگر وصف مذکور شرط تبانی باشد» (کاتوزیان، 1380، ف ج 1، ص 448). در عقد ازدواج نیز ممکن است با وجود رؤیت طرف مقابل، خیار تخلف از شرط صفت ایجاد شود: «به این معنی که، هرگاه زن و شوهر بطور ضمنی یا صریح صفتی را در یکی از همسران شرط کنند، نبودن آن صفت در او، برای طرف مقابل ایجاد حق فسخ می‌کند» (کاتوزیان، 1385، ج 1، ص 285 و امامی، 1363، ج 4، ص 370). یا موردی که: «قبل از عقد در هنگام خواستگاری و گفتگوهای قبلی، احد طرفین به صفتی از صفات مشخص شود، و عقد مبتنی بر همان صفت واقع شود. در این فرض چنانچه بعداً معلوم شود که صفت مورد نظر مفقود بوده، طرف مقابل حق خیار فسخ دارد» (محقق داماد، 1384، ص 361-362).

تخلف از شرط صفت ارکانی دارد که در عقد ازدواج این ارکان عبارتند از: 1- اشتراط صریح یا ضمنی خصوصیات مدنی یا ویژگی‌های ظاهری در زوجین. 2- مشروع و قانونی بودن صفت مورد تراضی. 3- فقدان آن صفت در زمان تراضی.

#### 4.1.1. اشتراط صریح یا ضمنی وصف

برای اینکه تخلف از شرط صفت در عقد ازدواج محقق شود بایستی وصف مقصود از طریق درج صریح در عقد وارد قصد مشترک طرفین شده باشد و یا عقد بر مبنای آن واقع شود. هرچند متعارف نیست راجع به ظاهر در عقد ازدواج صراحتاً شرطی درج شود، ولی در خیلی از موارد عقد بر مبنای رضایتی اتفاق می‌افتد که نتیجه اعتماد به ظاهر طرف مقابل می‌باشد. این غلبه مانع آن نیست که صراحتاً در خصوص ظاهر شرطی در عقد گنجانده شود. ولی در صورت قید شرط بایستی به گونه‌ای باشد که در زمان اختلاف بتوان با ابزار موجود نسبت به آن داوری نمود. «معیار تشخیص صفاتی که عقد بر مبنای آنها واقع شده، اراده طرفین است. باید احراز شود که بشرط وجود آن وصف نکاح کرده‌اند، خواه وسیله بروز این اراده گفتگوهای آنان باشد یا سکوت در برابر داوری عرف» (کاتوزیان، 1385، ج 1، ص 291).

#### 4.1.2. صحیح بودن وصف مشروط

سلامت، زیبایی و عملکرد اوصافی هستند که به موجب جراحی زیبایی امکان تغییر در آنها وجود دارد و یا طرفین به منظور تغییر در شرایط ازدواج و جایگاه خود اقدام به تغییر آنها می‌نمایند. به عبارتی موضوع جراحی زیبایی تغییر در زیبایی، سلامت و عملکرد عضو می‌باشد. در جراحی زیبایی محض، زیبایی و در جراحی زیبایی ترمیمی، ترمیم عضو به منظور برطرف نمودن آثار برجای مانده روی بدن و یا بهبود عملکرد عضو هدف جراحی است. شرایط صحت شرط عبارتند از مقدور بودن انجام شرط برای مشروط علیه، سائغ بودن شرط، وجود غرض عقلایی در شرط، مخالف نبودن شرط با کتاب الهی، خلاف مقتضای عقد نبودن شرط، و منجز بودن شرط (محقق داماد، 1388، ص 87). جمال (زیبایی) را یکی از شروط صحیح برای ذکر در عقد ازدواج دانسته‌اند که در صورت تخلف از آن مشروط‌آله خیار تخلف از شرط خواهد داشت (خمینی (ره)، 1370، ج 4، ص 89، امامی، 1363، ج 4، ص 372 و مسجد سرایبی، 1391، ص 178). زیبایی، سلامت و عملکرد از جمله صفاتی هستند که دارای شرایط لازم صحت بوده و امکان درج آنها در عقد ازدواج به صورت صریح و یا ضمنی وجود دارد.

#### 4.2. فقدان وصف مقصود در زمان تراضی

تخلف از شرط صفت در عقد ازدواج وقتی محقق می‌شود که مشخص شود در زمان عقد طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده (ماده 1128 قانون مدنی). در مواقعی که موصوف در زمان عقد واجد وصف می‌باشد ولی پس از عقد آن وصف را از دست می‌دهد، موجبی برای خیار تخلف از شرط صفت نخواهد بود. به عبارتی شرط صفت همراه با دوام و استدامه نیست. مثلاً اگر برای زوج به صورت صریح یا ضمنی شرط ملائت شده باشد، ورشکستگی بعدی او تأثیری بر عقد ندارد. همچنین در مواردی که شخص موصوف در زمان عقد فاقد وصف مقصود باشد و پس از عقد واجد آن شود، حق فسخ ایجاد شده محسوب می‌شود. در نتیجه در مواردی که زن یا مرد بعد از ازدواج اقدام به جراحی زیبایی می‌کنند و با این اقدام ظاهر خود را تغییر می‌دهند این عمل در عقد ازدواجی که سابق صورت گرفته تأثیری نداشته و حقی نیز برای طرف مقابل ایجاد نمی‌شود.

#### 4.3. تدلیس در ازدواج در نتیجه جراحی زیبایی و ارکان آن

##### 4.3.1. تدلیس

تدلیس از دلس با فتح دال و لام به معنای ظلمت و تاریکی است. «در نظام حقوقی ایران تدلیس عبارت است از پوشاندن عیب یا وانمود کردن وصف کمال در موضوع مورد معامله که در واقع وجود ندارد و در نتیجه آن طرف مقابل فریفته می‌شود» (حبیب‌زاده، 1374، ص 113). ماده 438 قانون مدنی در تعریف تدلیس مقرر داشته: «عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود». در اصطلاح حقوقی تدلیس را چنین تعریف کرده‌اند: «کسی به وسیله کارهای خود، واقع را از نظر بیوشاند و یا عیب را

مخفی سازد و در ازدواج سکوت آگاهانه نسبت به عیبی که خارج از خلقت اصلی باشد، یا ادعا کردن صفتی که کمال محسوب می‌شود و در واقع فاقد آن بودن» (امینی و آیتی، 1380، ص 207، انصاری، 1415، ص 453، امامی، 1363، ج 1، ص 514، مسجد سرایی، 1391، ص 178، صفایی و امامی، 1386، ص 193 و آیت‌الهی، 1382، ص 156). تدلیس با عیب تفاوت دارد، زیرا «منشاء عیب مجرد ثبوت عیب در واقعیت است، و در عیار تدلیس شرط صفت، بگونه‌ای که اگر شرط نمی‌شد عیار ثابت نمی‌شد» (انصاری، 1415، ص 453). برای شناسایی تدلیس و تفکیک آن از تخلف از وصف بایستی ارکان تدلیس را بررسی نمود:

#### 4.3.2. ارکان تدلیس

برای اینکه عملی تدلیس محسوب شود بایستی دارای ارکان زیر باشد: 1- در قانون آن عمل به عنوان تدلیس شناسایی شده باشد (رکن قانونی). 2- انجام دهنده عمل قصد فریب طرف عقد را داشته (رکن معنوی). 3- طرف مقابل فریب خورده باشد (رکن مادی).

##### 4.3.2.1. رکن قانونی

قانون مدنی در مبحث حقوق خانواده اشاره‌ای به تدلیس نکرده ولی عبارت ذیل ماده 1128 قانون مدنی به گونه‌ای تنظیم شده که در کنار عیار تخلف از شرط صفت، عیار تدلیس را نیز از آن قابل شناسایی دانسته‌اند: «حکم این ماده ناظر به عیار تخلف شرط است، ولی چون در تدلیس نیز یکی از طرفین تظاهر به داشتن صفتی می‌کند که مورد توجه دیگری است و از این راه او را فریب می‌دهد، نتیجه فریبکاری او نیز اینست که طرف دیگر به اشتباه چنین پندارد که همسر آینده‌اش وصف دلخواه را دارد» (کاتوزیان، 1385، ج 1، ص 285). در قانون مجازات اسلامی فریب در ازدواج جرم دانسته شده و مصادیق آن به صورت تمثیلی و نه حصری بیان شده است (نبی‌پور، 1385، ص 3 و نبی‌پور، 1385، ص 5) این مصادیق عبارتند از: داشتن تحصیلات عالی، تمکن مالی، موقعیت اجتماعی، شغل و سمت خاص، مجرد و امثال آن (ماده 647 ق.م.ا). مصادیقی که قانون مجازات اسلامی برای تدلیس مورد اشاره قرار داده اوصاف اکتسابی بوده و این قانون راجع به صفات ذاتی زوجین ساکت می‌باشد. تدلیس به این مصادیق منحصر نشده و هر فعل یا ترک فعلی که منجر به فریب یکی از زوجین شده و قابلیت تطبیق با تدلیس را داشته باشد، تدلیس محسوب می‌شود. در نتیجه در بررسی رکن قانونی تدلیس لازم نیست قانونگذار وضعیت هر مصداق را مشخصاً تدلیس دانسته باشد.

##### 4.3.2.2. رکن معنوی

تدلیس همراه با فریب بوده و «قصد فریب طرف مقابل» رکن معنوی آن می‌باشد. تدلیس کننده قصد دارد با اعمال متقلبانه واقعیت را برای طرف مقابل مخفی نموده تا از این طریق او را راضی به ازدواج شود. این قصد زمانی منجر به تدلیس می‌شود که در نتیجه عمل فریبکارانه طرف مقابل در اشتباه بیفتد و واقعیت برای او مخفی شود (جعفری لنگرودی، 1386، ج 2، ص 376، کاتوزیان، 1385، ج 1، ص 288 و السنه‌وری، 2009، ج 4، ص 766). در ازدواج «تدلیس هنگامی صدق می‌کند که سوء نیت و قصد فریب وجود داشته باشد، یعنی یک طرف عمداً با اعمال متقلبانه خود طرف دیگر را فریب داده و ترغیب به عقد ازدواج نموده باشد» (کاتوزیان، 1385، ج 1، ص 288 و صفایی و امامی، 1386، ص 194). قصد فریب در زمان عقد احتیاج بوده و نداشتن قصد فریب در زمان عمل جراحی تأثیری در تدلیس نخواهد داشت. این قصد ممکن است، نسبت به شخص خاص و عقد ازدواج معینی ایجاد شود و شخصی که اقدام به جراحی زیبایی می‌کند با قصد فریب انسان معین این اقدام را انجام دهد یا قصد او معطوف به شخص یا عقد ازدواج خاصی نبوده و نوعی باشد. شخصی که با عمل جراحی زیبایی، ظاهر خود را کاملاً تغییر داده و با جهل طرف مقابل، با ظاهری کاملاً تغییر یافته در مذاکره راجع به قرارداد ازدواج شرکت می‌کند و عمل او سبب فریب طرف می‌شود، فریبکار

<sup>1</sup> - «چنانچه هریک از زوجین قبل از عقد ازدواج طرف خود را به امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی، تمکن مالی، موقعیت اجتماعی، شغل و سمت خاص، مجرد و امثال آن فریب دهد و عقد بر مبنای هر یک از آنها واقع شود، مرتکب به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد».

و مُدَلِّس می‌باشد. در نتیجه در مواردی که طرف مقابل از واقعیت آگاه بوده یا بایستی آگاه فرض شود، رکن معنوی تدلیس موجود نیست. همچنین در مواردی که عملیات فریبکارانه در طرف مقابل یا انگیزه او مؤثر نیست (کاتوزیان، 1380، ج 4، ص 344) و یا در صورتی که جراحی زیبایی متعارف بوده و تأثیر قابل توجهی بر شخص نداشته باشد.

### 4.3.2.3. رکن مادی

عمل فریب طرف عقد رکن مادی تدلیس در ازدواج می‌باشد، اعم از اینکه به صورت مثبت باشد یا منفی {خمینی (ره)، 1370، ج 4، ص 88}. عمل منجر به تدلیس معمولاً مجموعه اعمالی هستند که باعث فریب طرف می‌شود و در جراحی زیبایی (محض یا ترمیمی) با جراحی شروع شده (عمل مثبت) و با کتمان واقعیت و نگفتن ویژگی‌های طبیعی (ترک فعل) و در نهایت انعقاد قرارداد تمام می‌شود. همچنین در مواردی که یکی از زوجین با تزریق به اعضاء بدن شکل آنها را تغییر می‌دهد، برخی از این تزریق‌ها موقتی بوده و با مرور زمان تخلیه می‌شوند. جراحی زیبایی در صورتی منتهی به تدلیس می‌شود که ظاهر طبیعی جراحی‌کننده را کاملاً و به گونه‌ای تغییر دهد که قابل اغماض نباشد و جراحی‌کننده با کتمان واقعیت از آن برای انعقاد عقد استفاده نماید. به عبارتی «باید عملیاتی انجام شود که عیبی را بپوشاند یا وجود صفتی را که مورد نظر طرف عقد می‌باشد در دیگری وانمود کند، خواه به وسیله نوشته و لفظ باشد (مانند توصیف دروغ) یا انجام کارهای خدعه‌آمیز» (کاتوزیان، 1385، ج 1، ص 288). در مواردی که در نتیجه جراحی ترمیمی عیبی مرتفع می‌شود یا جراحی به منظور درمان باشد و درمان نیز محقق می‌شود و یا جراحی به منظور برگرداندن وضعیت سابق بوده که به علت بیماری یا حادثه‌ای تغییر نموده و در نتیجه جراحی وضعیت طبیعی قبلی برگردانده می‌شود، این موضوع مشمول تدلیس نخواهد شد. زیرا آنچه در تدلیس اهمیت دارد فریب طرف مقابل است و در صورتی که فریبی محقق نشده تدلیس اتفاق نمی‌افتد: «در تدلیس باید اعمالی انجام شود که زن یا شوهر را در باب تصویری که نسبت به همسر آینده خود دارد و بخاطر آن حاضر به نکاح شده فریب دهد» (کاتوزیان، 1385، ج 1، ص 186). عمل مثبت از طریق توصیف شفاهی، مانند ذکر خلاف واقع اوصافی از قبیل «شرف و حسب و نسب و جمال و بکارت» {خمینی (ره)، 1379، ج 4، ص 89} یا عمل مثبت مادی صورت می‌گیرد. «عمل مثبت ممکن است از امور مادی باشد، چنانکه دختری سرش طاس باشد و بوسیله کلاه گیسی موهای انبوهی را در خود بنمایاند و یا هرگاه سینه ندارد به وسیله سینه‌های مصنوعی، سینه برجسته برای خود بسازد و یا دندان‌های او را در اثر بیماری کشیده باشند و به وسیله دندان‌های عاریه وانمود کند که دندان‌های او طبیعی می‌باشد و شوهر بتصور آنکه وضعیت طبیعی او همان است که می‌نمایاند با او ازدواج کند» (امامی، 1363، ج 4، ص 469-470). تدلیس ممکن است از طریق عمل منفی یا ترک فعل هم محقق شود (وصالی ناصح، 1392، ص 54). تدلیس از طریق عمل منفی در صورتی محقق می‌شود که «شخص مکلف به انجام عملی بوده» (امامی، 1363، ج 4، ص 470) و با خودداری از انجام آن باعث فریب طرف مقابل می‌شود مانند سکوت در بیان عیوبی که می‌داند طرف مقابل بر آنها آگاهی ندارد {خمینی (ره)، 1370، ج 4، ص 88}.

فعل یا ترک فعل منتهی به تدلیس با دخالت مستقیم خود فرد و اراده او انجام شود یا با اراده دیگری. موردی را که فریب توسط دیگری صورت گرفته مؤثر در عقد ندانسته‌اند: «اگر تدلیس بدانگونه باشد که صفت ادعایی صریحاً یا ضمناً در قرارداد نیامده و وارد قلمرو توافق طرفین نشده یا بنای طرفین بر وجود آن نباشد، حق فسخ وجود نخواهد داشت. بنابراین اگر شخص ثالثی بدون آگاهی و تقصیر طرف نکاح، کمالی برای او ذکر کرده و یا عیب او را با فریب‌کاری پنهان داشته و بدین وسیله موافقت طرف دیگر را برای نکاح جلب کرده باشد، نمی‌توان نکاح را قابل فسخ تلقی کرد» (صفایی و امامی، 1386، ص 194) در تأیید این نظر چنین استدلال شده: «به استناد خطایی که او (ثالث) مرتکب شده و زیانی که وارد کرده، نمی‌توان طرف عقد را به وسیله انحلال عقد محکوم کرد. ظاهر ماده 439 ق.م. نیز با این نظر موافق است» (کاتوزیان، 1385، ج 1، ص 290). اگر مبنای خیار فسخ دفع ضرر از زیان دیده باشد، دخالت ثالث یا طرف عقد در ایجاد خیار تأثیری ندارد و در صورتی که یکی از طرفین نسبت به شناخت طرف مقابل فریب بخورد حق فسخ عقد را خواهد داشت، اعم از اینکه همان طرف مرتکب تدلیس شده باشد یا ثالث. زیرا مبنای خیار دفع ضرر از فریب خورده است (انصاری، 1385، ج 2، ص 300 و خمینی (ره)، 1370، ج 4، ص 90).

#### 4.4. اشتباه در شخص طرف عقد در نتیجه جراحی زیبایی

در صورتی که جراحی زیبایی سبب شود طرف مقابل «به هنگام تصمیم گرفتن» برای انعقاد عقد ازدواج و در زمان ایجاب یا قبول، در شناخت طرف عقد اشتباه نماید، این اشتباه اراده او را معیوب می‌کند. چنین اشتباهی اگر مهم و اساسی باشد باید اصلاح شود و نتواند گوینده را پایبند سازد. معیار تمیز اشتباه اساسی این است که علت عمده عقد قرار گیرد، یعنی انگیزه اصلی تصمیم گرفتن باشد. بایستی احراز شود که اگر مدعی اشتباه از حقیقت آگاه می‌بود از معامله خودداری می‌کرد (کاتوزیان، 1380، ج 1، ص 400). در مواردی جراحی زیبایی عمده بوده و جراحی‌کننده با چند بار جراحی ظاهر خود را به گونه‌ای نامتعارف که قابل اغماض نیست تغییر می‌دهد و در نتیجه شناخت واقعی جراحی‌کننده ممکن نبوده و طرف مقابل در این راه مرتکب اشتباه می‌شود، اعم از اینکه جراحی زیبایی باعث شود طرف مقابل جراحی‌کننده را با دیگری اشتباه بگیرد و یا به میزانی او را تغییر داده باشد که با وضعیت قبل از جراحی به صورت کلی تغییر کند، با توجه به اینکه در ازدواج شخصیت طرف علت عمده عقد است (ماده 201 ق.م) و شکل ظاهر قسمتی از شخصیت طرفین محسوب می‌شود در صورتی که این میزان اشتباه در نتیجه جراحی زیبایی محقق شود، سبب معیوب شدن قصد مشتبه خواهد شد.

#### 5. حقوق زوجین

در مواردی که جراحی زیبایی اساسی بوده و بر عقد مؤثر می‌باشد امکان دارد عقد را قابل فسخ نماید یا عقد باطل شده و زیان دیده بتواند خسارت خود را مطالبه نماید.

#### 5.1. فسخ عقد

فسخ «زاله اثر حاصل از عقد معوض» بوده (جعفری لنگرودی، 1386، ج 4، ص 199) که هدف آن پیشگیری از ادامه وضعیتی می‌باشد که یکی از طرفین قرارداد ناخواسته در آن قرار گرفته، اعم از اینکه طرف دیگر عالم به آن وضعیت باشد یا او هم از وضعیت ناآگاه باشد. در مواردی که یکی از طرفین عقد ازدواج فاقد اوصافی بوده که در زمان عقد شرط شده و یا در انعقاد قرارداد مرتکب تدلیس گردیده، یکی از حقوقی که قانونگذار برای طرف مقابل شناسایی نموده حق فسخ است (کاتوزیان، 1385، ج 1، ص 276). علل فسخ نکاح در قانون مدنی متعدد بوده ولی آنچه در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته فسخ در نتیجه تخلف از شرط صفت و تدلیس به واسطه استفاده از جراحی زیبایی می‌باشد.

خیار تخلف وصف در عقد ازدواج نتیجه فقدان وصفی است که در یکی از زوجین شرط شده و طرف دیگر به تصور وجود آن راضی به ازدواج شده، اعم از اینکه این وصف را صراحتاً در عقد قید کرده باشند یا عقد بر مبنای آن واقع شده باشد. در مواقعی که شخصی با زیبایی خاصی اقدام به ازدواج می‌کند، این زیبایی در خیلی از موارد بدون تراضی صریح طرفین مبنای وقوع عقد می‌باشد. اگر مشخص شود این زیبایی واقعی نبوده، تصنعی و در نتیجه جراحی بوده، این موضوع دلیلی بر فقدان وصفی که عقد بر مبنای آن واقع شده خواهد بود. همچنانکه اشتراط زیبایی به صورت صریح نیز منعی ندارد (ماده 1128، قانون مدنی) و در صورت ثبوت تخلف برای طرف مقابل حق فسخ وجود دارد. «هرگاه زن و شوهر بطور ضمنی یا صریح صفتی را در یکی از همسران شرط کنند، نبودن آن صفت در او، برای طرف مقابل ایجاد حق فسخ می‌کند» (کاتوزیان، 1385، ج 1، ص 285). ارزیابی نهایی زیبایی و داوری راجع به آن با عرف است. اگر عرف تغییر را اساسی بداند به طرف مقابل حق فسخ می‌دهد. همچنانکه اثبات تخلف از برخی صفات باعث ایجاد حق فسخ می‌باشد، مانند اثبات خلاف شرط بکارت (امامی، 1363، ج 4، ص 371).<sup>2</sup> «تدلیس اصطلاحی، که در اوصاف فرعی و مؤثر در تصمیم انجام می‌شود، خیار فسخ بوجود می‌آورد» (کاتوزیان، 1380، ج 5، ص 362). در مواردی که جراحی زیبایی «باعث مخفی ماندن یکی از عیوب پیش بینی شده در قانون گردد یا سبب نمایاندن صفتی شود که

<sup>2</sup> - برای ملاحظه نظر مخالف مراجعه شود به: (محقق حلی، 1373، ج 2، ص 544): «اگر در ازدواج شرط شود که زوجه باکره باشد و سپس مشخص شود باکره نیست، زوج حق فسخ نخواهد داشت و صرفاً مهر زن نسبت به مدخوله بودن کم می‌شود. برای تعیین میزان کاهش مهر به عرف مراجعه می‌شود. علت آن را هم این دانسته‌اند که ممکن است علت آن (ثیبه) مخفی باشد».

وجود آن مورد قصد مشترک طرفین بوده (یعنی صفتی که به حکم عرف یا اراده زوجین مبنای تراضی قرار گرفته)» (کاتوزیان، 1385، ج 1، ص 285) برای طرف مقابل حق فسخ نکاح به علت تدلیس ایجاد خواهد شد.

## 5.2. بطلان عقد

در صورتی که جراحی زیبایی بسیار عمده بوده و در نتیجه آن طرف مقابل آنچنان در اشتباه باشد که نتوان قصدی برای او نسبت به شخصیت واقعی جراحی کننده احراز نمود، عقد به واسطه فقدان قصد باطل است. اشتباهی که سبب شود «مفاد قصد یکی از طرفین با آنچه در خارج واقع شده، معارض باشد سبب بطلان نکاح به علت فقدان قصد می‌شود» (کاتوزیان، 1385، ج 1، ص 57). در مواردی که صرفاً در شناخت اوصاف همسر اشتباهی رخ می‌دهد امکان دارد این اشتباه سبب خیار فسخ شده و به اساس ازدواج خللی وارد نسازد. «اشتباه در اوصاف همسر، هرچند که محرک اصلی عقد باشد، در نفوذ آن اثر ندارد. قانون مدنی، اشتباه در اوصاف طرف عقد را از عیوب اراده نشمرده ولی به آن نیز بی‌اعتنا نمانده، زیرا کسی که از این راه ضرر می‌بیند حق دارد نکاح را برهم زند» (کاتوزیان، 1385، ج 1، ص 276). اشتباهی مبطل عقد نکاح می‌باشد که سبب شود شخص با کسی ازدواج نماید که قصد ازدواج با او را نداشته باشد. اعم از اینکه این موضوع ناشی از این بوده که شخص ایجاب کننده یا قبول کننده را با شخص دیگری اشتباه گرفته یا اینکه در شناخت واقعی او مرتکب اشتباه شده بدون اشتباه در خصوصیات مدنی. «اشتباه در شخصیت طرف نکاح وقتی موجب بطلان عقد است که در اثر آن، مشتبه با کسی غیر از آنکه مقصود او بوده ازدواج کند، پس، هرگاه در اثر تغییر قیافه یا سایر اعمال فریبنده، مردی که خواستار زناشویی با دختری است دیگری را به جای او بگیرد، این نکاح باطل است» (کاتوزیان، 1385، ج 1، ص 287). بطلان عقد در مواقعی محقق می‌شود و دادگاه حکم بر بطلان صادر می‌کند که محرز شود «به دلیل فقدان یکی از شرایط اساسی یا وجود یکی از موانع نکاح، هیچ رابطه حقوقی بین طرفین ایجاد نشده و بر آنچه به ظاهر واقع شده اثری بار نیست» (کاتوزیان، 1385، ج 1، ص 273). همچنین «تدلیس اگر در وصف جوهری و اساسی صورت پذیرد، مانند اشتباه سبب بطلان عقد است و از عیوب اراده بشمار می‌آید» (کاتوزیان، 1380، ج 5، ص 362).

## 5.3. مطالبه خسارت

در مواردی که یکی از زوجین به واسطه تخلف از وصف یا تدلیس طرف دیگر متحمل زبانی می‌شود، این خسارت بایستی جبران شود. اعم از اینکه زبان مادی باشد یا معنوی. «همسری که گول خورده می‌تواند، علاوه بر فسخ نکاح، خسارت مادی و معنوی خود را از تدلیس کننده بخواهد» (محقق داماد، 1388، ج 1، ص 167 و کاتوزیان، 1385، ج 1، ص 297). قانونگذار لزوم جبران خسارات زیان دیده را در ماده 1 قانون مسئولیت مدنی شناسایی نموده و این قاعده در هر موردی که شخصی در نتیجه عمل خلاف قانون یا متعارف دیگری متحمل زبانی شود جاری است و زیان دیده می‌تواند به عامل ورود زیان مراجعه نماید. در موردی مشابه زن چینی اقدام به جراحی زیبایی قبل از ازدواج نموده و همسر او پس از فرزند چهارم متوجه جراحی زیبایی او می‌شود، همسر او ابتدا او را طلاق داده و سپس به خاطر تولد فرزندی زشت علیه او طرح دعوی مطالبه خسارت می‌نماید و دادگاه زن را محکوم به پرداخت 120/000 دلار در حق مرد نمود است.

[http://r.search.yahoo.com/www.huffingtonpost.co.uk/chinese-man-divorces-ugly-wife\\_n\\_2037141](http://r.search.yahoo.com/www.huffingtonpost.co.uk/chinese-man-divorces-ugly-wife_n_2037141)<sup>3</sup>.

در فقه اسلامی مخفی نمودن عیوب در زمان ازدواج و یا آرایش نمودن به گونه‌ای که سبب اشتباه در شناخت واقعی فرد شود، عملی حرام دانسته شده است. از این عمل تحت عنوان تدلیس ماشطه (تدلیس زن آرایشگر) نام برده شده و یکی از اقسام مکاسب محرمة می‌باشد (مکی عاملی، ج 1، ص 205).

در مواقعی که شخص دیگری بجز زوجین باعث فریب طرف مقابل شده، هم او مسؤل جبران خسارات زیان دیده می‌باشد. در روایت محمد بن مسلم از حضرت صادق (ع) که فرمود: در کتاب علی (ع) آمده: هرکس زنی را به عقد دیگری در آورد، در

<sup>3</sup> - برای مطالعه مراجعه کنید به: Read latest details on abc15.com



حالی که در آن زن عیبی وجود دارد و برای شوهرش بیان نکند و آن را بپوشاند، زوج می‌تواند آن مقدار از مهر را که بابت این کتمان، اضافه پرداخته پس بگیرد و ضمان برعهده کسی که عیب را بیان نکرده می‌باشد (محقق داماد، 1388، ج 1، ص 168). مبنای مطالبه این خسارت غرور بوده و مطالبه زیان از عامل ورود زیان به علت فریبی می‌باشد که او باعث آن شده (امامی، 1363، 4، ص 415).

محدوده خسارات وارده در نتیجه تدلیس یا تخلف از وصف ناشی از جراحی زیبایی زوجین شامل زیان‌های مادی به تنهایی یا همراه با زیان معنوی می‌شود. در صورتی که به واسطه عمل جراحی زیبایی هر دو خسارت به دیگری وارد شده، زیان دیده می‌تواند هر دو را مطالبه نماید. «در مورد اغراء به جهل، زوج پس از تأدیه مهر بزوجه، می‌تواند آن را از اغراءکننده مطالبه نماید و قبل از آن حق مطالبه ندارد، زیرا هنوز زبانی به او نرسیده تا جبران آن را بخواهد. بعضی از حقوقیین امامیه با نظریه مطالبه مهر پرداختی به زن از اغراءکننده در موردیکه نزدیکی به عمل آمده باشد مخالفت نموده و برآنند که چنانچه زوج مهر پرداختی را از اغراءکننده بتواند دریافت دارد، تمتعی که او در اثر نزدیکی با زن برخوردار شده بی‌عوض خواهد ماند، با آنکه روایات عدیده آن را بدون عوض نگذارده‌اند. عده‌ای از حقوقیین امامیه اشکال مزبور را چنین رد نموده‌اند که هرگاه مهرالمسمی پرداختی از طرف شوهر به زن بیش از مهرالمثل آن زن باشد، به مقدار مهرالمثل بعهده شوهر می‌باشد و اضافه بر مهرالمثل را او از اغراءکننده بعنوان خسارت مطالبه خواهد نمود» (امامی، 1363، ج 4، ص 416).

## 6. مسئولیت پزشک جراح

هرچند پزشک در جراحی زیبایی نقش مباشر و اصلی در انجام عمل را دارد، لکن نمی‌توان برای پزشک مسئولیتی فرض نمود. زیرا عامل اصلی اراده جراحی شونده بوده و مسئولیت اصلی نیز بر عهده همین فرد می‌باشد. در حقوق ایران مسئولیت مدنی پزشک صرفاً در مقابل بیمار و در صورت تقصیر شناسایی شده (صفایی، 1391، 142) و پزشک در مقابل افراد ثالث مسئولیتی ندارد.

## 7. نتیجه‌گیری

در عقد ازدواج شخصیت طرفین (شخصیت مدنی و ظاهری) یکی از علل اصلی می‌باشد. اگر زوجین به جز این را قصد کرده و انگیزه دیگری برای عقد داشته باشند، ادعایی خلاف اصل بوده و بایستی اثبات شود. در این صورت پس از اثبات موضوع، اشتباه در شخصیت تأثیری بر عقد نخواهد داشت (هرچند در صحت عقد تردید باشد). در مواردی که علت عمده عقد ازدواج شخصیت طرف باشد و یکی از طرفین در معرفی شخصیت ظاهری و سلامت جسمانی خود به دیگری مرتکب تخلفی شود و خود را آنچنانکه هست معرفی نکند و این موضوع متعارف نبوده و از دیدگاه عرف قابل اغماض نباشد، امکان دارد عمل او تخلف از وصف یا فریب طرف قرارداد (تدلیس) محسوب شود. در مواردی که این عمل به گونه‌ای باشد که سبب اشتباه در شناخت طرف مقابل شود به صحت عقد خلل وارد خواهد نمود. یکی از طرق تغییر ظاهر که امروزه به صورت وسیع در سطح جامعه در حال انجام است، استفاده از جراحی زیبایی می‌باشد. جراحی زیبایی در برخی موارد ترمیمی و به منظور درمان آثار صدمات و یا عیوب طبیعی یا غیر طبیعی بدن است. در مواردی هدف از جراحی زیبایی ترمیم نبوده و تنها هدف تغییر ظاهر و زیبایی می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی ماهیت جراحی زیبایی و اثر آن بر عقد ازدواج انجام شده و نتایج ذیل از آن استخراج شد:

- 1- در مواردی که جراحی زیبایی با هدف شخصی بوده و یا در زمان عقد ازدواج در محدوده تراضی طرفین وارد نشده ماهیت حقوقی ندارد. مانند مواردی که فردی پس از عقد ازدواج اقدام به جراحی می‌کند.
- 2- در صورتی که جراحی زیبایی به منظور ترمیم باشد، فاقد ماهیت حقوقی بوده و برای طرف مقابل حقی ایجاد نخواهد شد و اثری بر ازدواج ندارد.
- 3- در صورتی که هدف از جراحی، زیبایی محض باشد و به گونه‌ای این جراحی اساسی بوده که ظاهر فرد را کاملاً تغییر دهد و عرفاً قابل اغماض نباشد و اتکای طرف برای ازدواج بر آثار ناشی از این جراحی باشد و اوصاف و ویژگی‌های تغییر یافته در

- محدوده تراضی زوجین وارد شود در صورتی که این عمل مخالف با اوصاف تصریحی در زمان عقد یا اوصاف بنایی باشد که عقد بر اساس آنها واقع شده طرف مقابل حق فسخ عقد را خواهد داشت.
- 4- در مواردی که جراحی زیبایی محض اساسی بوده و سبب فریب طرف مقابل نسبت به شناخت اوصاف جراحی کننده شود و این فریب مؤثر بر عقد بوده و وارد تراضی مشترک آنها شود تدلیس بوده و فریب خورده می تواند به استناد خیار تدلیس ازدواج را فسخ نماید.
- 5- در مواردی که جراحی زیبایی به قدری اساسی باشد که سبب اشتباه در شناخت شخصیت واقعی جراحی کننده باشد به علت اشتباه مؤثر بر عقد، عقد باطل خواهد بود.
- 6- در مواردی که زیان دیده حق فسخ قرارداد را دارد و یا قرارداد باطل باشد، می تواند برای مطالبه خسارات خود به عامل ورود زیان مراجعه و خسارات خود را اعم از مادی و معنوی مطالبه نماید.
- 7- پزشک معالج در این خصوص مسئولیتی نداشته و به واسطه اقوا بودن سببیت بیمار از مباشرت پزشک، شخصی که مورد جراحی واقع شده در مقابل طرف مقابل مسئول می باشد و امکان مراجعه به پزشک جراح وجود ندارد.

**Abstract:****Explaining the Legal Nature of Cosmetic Surgery and its Effects  
on Relations between Spouses**

*Ahmadifar R. P.hD*\*

(Received: 6 Aug 2017

Accepted: 23 Dec 2017)

Many people use cosmetic surgery to alter the appearance of body organs for restoration or beauty. As long as the goal of cosmetic surgery is personal, there is no legal nature. But in many cases, a surgeon marries a patient by hiding surgery and drawing the opinion of the opposite. The purpose of this study was to investigate the nature of this surgery and its effect on the relationship between couples. According to the results, if a cosmetic surgery leads to a mistake by the other party in the surgical person, the contract is void. If the artificial alteration of traits and surgical properties is made the opponent will have the option of termination due to a violation of the condition of an explicit or constructive attribute. Anyway the lost person can claim damages from the input agent.

***Key Words: Cosmetic Surgery, Deception in Marriage, Violation of Adjectives, Physician's  
Responsibility in Plastic Surgery***

\* Assistant Professor of Law, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, Malayer University, Malayer, Iran

## References:

1. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، (ج 1 و 4)، (چ 2)، تهران، انتشارات اسلامی، 1363.
2. امینی، علیرضا و آیتی، سید محمد رضا، تحریر الروضه فی شرح اللمعه، (چ 4)، تهران، انتشارات سمت، 1380.
3. انصاری، مرتضی، النکاح، (چ 1)، قم، مطبعه باقری، 1415.
4. انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، (چ 2)، (چ 4)، قم، انتشارات قدس، 1385.
5. اولسن، مریل، جراحی زیبایی، مترجم شهروز فرهنگ، (چ 1)، تهران، کلید آموزش، 1388.
6. آیت‌اللهی، زهرا، «آثار فقهی - حقوقی فریب در ازدواج»، مطالعات راهبردی زنان، شماره 19، بهار 1382.
7. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، الفارق، (چ 2)، (چ 1)، تهران، انتشارات گنج دانش، 1386.
8. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، الفارق، (چ 4)، (چ 1)، تهران، گنج دانش، 1386.
9. حبیب‌زاده، طاهر، تحقق تدلیس در انعقاد قراردادهای الکترونیکی، مجله حقوقی دادگستری، شماره 71، پاییز 1379.
10. خمینی، روح‌الله، تحریر الوسیله، ترجمه موسوی‌همدانی، محمد باقر، ج 4، قم، شرکت چاپ قدس، 1370.
11. السنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، العقود و التي تقع علی الملكیه، البیع و المقایضه، (چ 4)، (چ 1)، بیروت، لبنان، منشورات الحلبي الحقوقیه، 2009.
12. صفایی، سید حسین، مبانی مسئولیت مدنی پزشک با نگاهی به لایحه جدید قانون مجازات اسلامی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره 17، شماره 58، تابستان 1391.
13. طباطبایی، سید محمد صادق و شنیور، قادر، «گونه شناسی تعهد و مسؤولیت پزشک در جراحی زیبایی و ترمیمی»، فصلنامه فقه پزشکی، شماره هیفدهم، سال پنجم، 1392.
14. فراهانی، مهدی، مصاحبه با دکتر عبدالجلیل کلانتری هرمزی با عنوان «جراحی زیبایی را مثل پیتزا تبلیغ نکنید»، مجله سپیده دانایی، شماره 21، سال دوم، 1387.
15. قمی، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، المقنع، (چ 1)، قم، مؤسسه امام هادی(ع)، 1415.
16. کاتوزیان، ناصر. قواعد عمومی قراردادها، (چ 1)، (چ 3)، تهران، شرکت سهامی انتشار، 1380.
17. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، معاملات معوض - عقود تملیکی، بیع - معاوضه - اجاره - قرض، دوره عقود معین (1)، (چ 9)، تهران، شرکت سهامی انتشار، 1385.
18. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، خانواده، نکاح و طلاق، روابط زن و شوهر، (چ 1)، (چ 7)، تهران، شرکت سهامی انتشار، 1385.
19. کلانتری هرمزی، عبدالجلیل، «تاریخچه جراحی پلاستیک در ایران»، نشریه انجمن جراحان پلاستیک و زیبایی ایران، شماره 44، سال شانزدهم، 1393.
20. کلهرنیگلکار، میثم و همکاران، «بررسی فقهی - حقوقی مبانی و محدوده تجویز جراحی‌های زیبایی و ترمیمی»، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره بیست و یکم، سال ششم، 1391.
21. محقق حلّی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تهران، انتشارات استقلال، 1373.
22. محقق داماد، سید مصطفی، فتاوی، جلیل، وحدتی شبیری، سید حسن و عبدی‌پور، ابراهیم، حقوق قراردادها در فقه امامیه، (چ 1)، (چ 1)، تهران، سمت، 1389.
23. محقق داماد، سید مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن، (چ 12)، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، 1384.
24. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، بخش مدنی، مالکیت، مسئولیت، (چ 1)، (چ نوزدهم)، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، 1388.
25. محقق داماد، سید مصطفی، نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی، (چ 1)، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، 1388.
26. مسجد سرائی، حمید، ترمینولوژی فقه، اصطلاح شناسی فقه امامیه، (چ 1)، تهران، انتشارات پیک کوثر، 1391.
27. مکی العاملی، ابی عبدالله شمس الدین محمد بن جمال الدین، لمعه دمشقیه، (چ 16)، قم، انتشارات دارالفکر، 1380.
28. نبی‌پور، محمد، «جرم فریب در ازدواج (موضوع ماده 647 قانون مجازات اسلامی)»، مجله علوم انسانی و اجتماعی شمال، شماره دوم، سال دوم، 1385.
29. نقیبی، سید ابوالقاسم، کلهرنی گلکار، میثم و صدر طباطبایی، سید محمد علی، «واکاوی موضوع شناسی و مستندات حکم شناسی جراحی زیبایی»، فصلنامه اخلاق زیستی، سال پنجم، شماره شانزدهم، تابستان 1394.
30. وحدتی شبیری، حسن و صانعی، ابوذر، بررسی فقهی حقوقی ادله مشروعیت جراحی ترمیمی، دو فصلنامه علمی ترویجی مطالعات فقه امامیه، دوره اول، پاییز و زمستان 1394.
31. وصالی ناصح، مرتضی، مسئولیت مدنی ناشی از اراده ضمنی در قالب سکوت (مطالعه تطبیقی در نظام حقوق عرفی، فقه و حقوق ایران)، دو فصلنامه علمی - پژوهشی دانش حقوق مدنی، سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان 1392.
32. Graziano, Tomas kadner. Comparative contract law, Great Britain, Antony Rowe, Chippenham and East bourne (2009).
33. <http://www.shafaf.ir/fa/news/175848>, 1392.1.9.
34. <http://r.search.yahoo.com/www.huffingtonpost.co.uk/chinese-man-divorces-ugly-wife-n-2037141>.